فصلنامه مطالعات فضا و مکان

دوره ۳، شماره ۳، صص.۹۲-۸۳، بهار ۱۴۰۴

ترجمه انگلیسی این مقاله با عنوان:
Exploring the Wisdom of Creating Architectural Space Based on Human Needs
در همین شماره به چاپ رسیده است.

بررسی حکمی آفرینش فضای معماری مبتنی بر نیازهای انسانی

هدیه دبیری [۱]، سجاد محمدیارزاده* [۲]، محمدرضا قربانی پارام [۳]

۱. گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. گروه معماری، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

حکمت اسلامی

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۶/۱۶
تاریخ بازنگری:
//
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۶/۱۶
تاریخ انتشـار:
۱۴۰۴/۳/۲۹

واژگان کلیدی:
حکمت،
هنر اسلامی،
معماری،
نیاز انسانی،
آفرینش.

چکیده:

از نظر قرآن، انسان موجودی است که از روح خدا در او دمیده شده و اشرف مخلوقات محسوب شده‌است و به لحاظ وجودی دارای ساحت‌های متعدد است که هریک از این ساحات دارای نیازهایی هستند که باید به آن پاسخ مناسب داده شود.

بسیاری از پاسخ‌های مناسب در ظرف مکان و معماری به منظور رشد، تعالی و بقاء انسانی شکل می‌گیرد که نیازمند دانش و تخصص حکیمانه است. دانش حکمی مفهومی است که می‌تواند در راستای تعالی انسان و زیست وی در همه سطوح اثرگذار باشد.

معماری حکمی پلی است میان فضاسازی براساس شناخت انسان و نیازهایش و فلسفه وجودی وی؛ بنابراین این پژوهش بر آن است تا با بهره‌مندی از روش توصیفی – تحلیلی به بررسی نقش حکمت در معماری و پاسخ به نیازهای انسان اسلامی بپردازد.

نتایج و دستاوردهای این پژوهش چنین نشان می‌دهد که یک انسان بر اساس جهان بینی اسلامی دارای نُه نیاز اساسی است که معماری برای هریک بر اساس نگاه حکمی می‌تواند به نیازهای انسان پاسخ مطلوب بدهد و اگر طراحی فضاها در معماری مبتنی بر حکمت توحیدی و قرآنی شکل گیرد، توانایی پاسخ‌گویی به سه ساحت وجودی انسان را در برمی‌گیرد، که این امر در نهایت می‌تواند بستری مناسب برای زیست انسان در دنیا و سعادت وی در زندگی آخرت را همراه داشته باشد.

* **نویسنده مسئول :** *+9809122199309 , farshchian.riasat@iau.ac.ir*

مقدمه

شناخت به لحاظ وجودی دارای ساحت‌های متعدد است که هریک از این ساحات دارای نیازهایی می‌باشند که باید به آن پاسخ مناسب داده شود، بسیاری از پاسخ‌های مناسب در ظرف مکان و معماری به منظور رشد، تعالی و بقاء انسانی شکل می‌گیرد که نیازمند دانش و تخصص حکیمانه است. دانش حِکمی مفهومی است که می‌تواند در راستای تعالی انسان و زیست وی در همه سطوح اثرگذار باشد. معماری حکمی پلی است میان فضاسازی براساس شناخت انسان و نیازهایش و فلسفه‌ی وجودی وی. بنابراین این پژوهش بر آن است تا با بهره‌مندی از روش توصیفی – تحلیلی به بررسی نقش حکمت در معماری و پاسخ به نیازهای انسان اسلامی بپردازد (عرب زاده و دیگران،۱۴۰۲).

امروزه بر این مسأله زیاد تأکید می شود که نحوه عمل و حرکت ما در زندگی، توسط ساختار فکری و نحوه نگرش ما تعیین می شود، انسان ایرانی امروز در بستری از اندیشه‌های مختلف به سر می‌برد که برخی از آنان ریشه در جهان بینی اسلامی و برخی ریشه در تفکرات مدرنیته(اومانیسم) دارند. جهان‌بینی اسلامی تلاش دارد که زمینه سعادت انسان را در زندگی دنیوی و اخروی در پرتو ذات باری تعالی فراهم کند تا انسان بتواند با هدف درست زیست کند و در تقابل آن تفکر اومانسیم، انسان را محور هستی قرار داده و همه چیز در گرو نیازهای دنیوی انسان می‌چرخد و آنچه در این میان حائز اهمیت است شناخت نیاز انسان ایرانی در پرتوی حکمت زیست اسلامی و قرآنی است. خداوند در آیات متعدد، حکمت را به عنوان یک ارزش مهم معرفی کرده و تعلیم کتاب و حکمت را از ماموریت‌های پیامبران الهی و خود را خداوندی حکیم دانسته است(سوره بقره، آیات ۱۲۹، ۱۵۱، ۲۳۱؛ سوره آل‌عمران، آیات ۵۸ و ۱۶۴؛ سوره اسراء، آیه ۲۹؛ احزاب، آیه ۳۴). بنابراین می‌توان گفت حکمت زاییده جهان بینی اسلامی است. از نظر قرآن، دستیابی به حقیقت اسلام و تسلیم در برابر خداوند، تحقق حکمت در شخص است؛ زیرا انسانی در برابر خداوند در مقام تسلیم واقعی قرار می‌گیرد که شناخت حکیمانه‌ای همراه با عمل در حوزه تخلق به اخلاق الله داشته باشد(سوره بقره، آیات ۱۲۷ تا ۱۳۰).

پس می‌توان چنین بیان نمود که معماری و خلق فضا در راستای پاسخ به نیازهای انسان نیاز به یک تدبیر حکیمانه دارد و اگر بتوان یک هم پوشانی بین نیازهای انسان و جهان بینی قرآنی- اسلامی ایجاد کنیم توانسته‌ایم در شکل‌دهی هویت انسان امروزی و رسیدن وی به تعادل و سعادت موفق عمل کنیم. در این پژوهش با تأکید بر مفهوم حکمت و جایگاه آن در زندگی انسان و معماری تلاش بر آن است که با شناخت نیازهای انسانی بتوان راهکارهایی جهت خلق فضای معماری مستخرج از قرآن و حکمت اسلامی ارائه داد.

مبانی نظری

• حکمت

واژه حکمت از ریشه عربی ح ک م است و به معنای داوری، قضاوت است. مفهوم حکمت به معنای علمِ با ارزشی است که همراه با عمل باشد. حکمت در فرهنگ‌های گوناگون به کار می‌رود و در قرآن، حدیث، فلسفه، تصوف و عرفان اسلامی درباره آن بحث شده است. معادل فارسی حکمت، فرزانگی است و به شخص حکیم، فرزانه می‌گویند. حکمت به معنای دانش نظری متقن است که به عمل متناسب با آن منتهی می گردد(نقی زاده،۱۳۸۹). به لحاظ وجودی دارای ساحت‌های متعدد است که هریک از این ساحات دارای نیازهایی هستند که باید به آن پاسخ مناسب داده شود.

بسیاری از پاسخ‌های مناسب در ظرف مکان و معماری به منظور رشد، تعالی و بقاء انسانی شکل می‌گیرد که نیازمند دانش و تخصص حکیمانه است. دانش حِکمی مفهومی است که می‌تواند در راستای تعالی انسان و زیست وی در همه سطوح اثرگذار باشد.

• اهمیت حکمت در زیست انسان و جایگاه آن از منظر قرآن کریم

معماری حِکمی پلی است میان فضاسازی براساس شناخت انسان و نیازهایش و فلسفه وجودی وی. بنابراین، این پژوهش بر آن است تا با بهره‌مندی از روش توصیفی – تحلیلی به بررسی نقش حکمت در معماری و پاسخ به نیازهای انسان اسلامی بپردازد (طباطبایی،۱۳۸۹). انسان بر اساس جهان بینی اسلامی دارای نه نیاز اساسی است که هریک بر اساس

جدول شماره ۱) معرفی انواع حکمت مبتنی بر قرآن کریم.

ردیف	اقسام حکمت	تعریف	تحلیل از منظر قرآنی
۱	حکمت علمی	مقصود از حکمت علمی، هرگونه دانستنی یا معرفتی است که برای صعود به مقام انسان کامل، ضروری است. به سخن دیگر، هم دانش مربوط به عقاید، «حکمت» است، هم دانش مربوط به اخلاق ، و هم دانش مربوط به اعمال	قرآن کریم، در آیات متعدد بر این مطلب، تاکید کرده است، از جمله در این آیه : «لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلوا علیهم ءایته ویزکیهم ویعلمهم الکتب والحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلل مبین(اسراء:۳۹،آل‌عمران:۱۶۴ بقره:۱۲۹)
۲	حکمت نظری	حکمت نظری، برنامه عملی رسیدن به مرتبه انسان کامل است. از نگاه قرآن و احادیث اسلامی، دانش و عملی که مقدمه تکامل انسان باشد، «حکمت» نامیده می‌شود، با این تفاوت که دانش، پله نخست تکامل، و عمل، پله دوم آن است (ابن عربی؛۲۰۱۱: ۹۱)	احادیثی که حکمت را به فرمانبری از خداوند متعال، مدارا با مردم، دوری از گناهان و اجتناب از نیرنگ تفسیر کرده اند، به حکمت عملی اشاره دارند.
۳	حکمت حقیقی	حکمت حقیقی، انسان بر اساس جهان بینی اسلامی دارای نه نیاز اساسی می¬باشد که هریک بر اساس نگاه حکمی می¬تواند به نیازهای انسان پاسخ مطلوب بدهد و اگر طراحی فضاها در معماری مبتنی بر حکمت توحیدی و قرآنی شکل گیرد، توانایی پاسخ¬گویی به سه ساحت وجودی انسان را در بر¬می¬گیرد که این امر در نهایت می¬تواند بستری مناسب برای زیست انسان در دنیا و سعادت وی در زندگی آخرت را همراه داشته باشد.	«انما یخشی الله من عباده العلمؤا. (فاطر:۲۸) در میان بندگان خدا، تنها دانشمندان‌اند که از او بیمناک‌اند». این اثر، در کلام پیامبر خدا، عینا بر حکمت حقیقی نیز مترتب شده است، چنان که می‌فرماید : خشیهٔ الله عزّوجلّ راس کل حکمة(الفردوس:۱۹۳ و کنزالعمال:۱۴۱)

نگاه حِکمی می‌تواند به نیازهای انسان پاسخ مطلوب بدهد و اگر طراحی فضاها در معماری مبتنی بر حکمت توحیدی و قرآنی شکل گیرد، توانایی پاسخ‌گویی به سه ساحت وجودی انسان را در برمی‌گیرد که این امر در نهایت می‌تواند بستری مناسب برای زیست انسان در دنیا و سعادت وی در زندگی آخرت را همراه داشته باشد (بلخاری،۱۴۰۳).

کلمه حکمت بارها در کتاب مقدس قرآن و احادیث به دلایل مختلف بیان شده است و با توجه به گسترش معنایی که دارد، از آن به عنوان هدیه و نعمت پروردگار یاد شده است که خدا به پیامبران(ع) و برخی از انسان‌های نیکوکار داده است. بر این اساس می‌توان سه نوع حکمت که در ارتباط با انسان و زندگی وی است را نام برد (جدول شماره ۱)، که بالاترین درجه آن حکمت حقیقی است.

• مبانی فکری سازنده حِکمی در پرورش تفکر معمار

به لحاظ وجودی دارای ساحت‌های متعدد است که هریک از این ساحات دارای نیازهایی هستند که باید به آن پاسخ مناسب داده شود. بسیاری از پاسخ‌های مناسب در ظرف مکان و معماری به منظور رشد، تعالی و بقاء انسانی شکل می‌گیرد که نیازمند دانش و تخصص حکیمانه است. دانش حکمی مفهومی است که می‌تواند در راستای تعالی انسان و زیست وی در همه سطوح اثرگذار باشد. در آن حال، عقل به طور کامل، زنده می‌گردد و زمام انسان را به دست می‌گیرد و از آن پس، زمینه‌ای برای انجام دادن کارهای ناشایست در وجود او باقی نمی‌ماند. در نتیجه، حکمت، با عصمت، همراه می‌گردد و در نهایت، همه ویژگی‌های حکیم و عالم حقیقی برای آدمی حاصل می‌گردد. بنابراین، می‌توان چنین بیان نمود اولین گامی که معمار اسلامی برمی‌دارد این است که وجود خویش را به مفهوم حکمت حقیقی نزدیک نماید. در هرحقیقت هرچه وجود معمار پاک و به دور از گناه و زشتی باشد فضایی که خلق می‌کند، به مطلوبیت فضایی بیشتری نزدیک خواهد بود. بنابراین، می‌توان چنین بیان کرد که معمار سنتی ایران باید در تقویم جهان بینی خویش گام بردارد که امر در دو اصل جهان بینی توحیدی و اسلامی ریشه دارد.

الف) جهان بینی توحیدی: یعنی درک اینکه جهان از یک مشیت حکیمانه پدیده آمده است و نظام هستی بر اساس رحمت و رسانیدن خیر موجودات به کمالات شایسته آنها استوار است جهان‌بینی توحیدی یعنی جهان "یک قطبی" و "تک محوری" است.

جهان‌بینی توحیدی یعنی جهان ماهیت "از اویی" (انا لله) و "به سوی اویی" (انا الیه راجعون) [1] دارد (سوره بقره/۱۵۶). نمود حقیقی این تفکر را می‌توان در ساخت مساجدی که در طول تاریخ توسط معمار مسلمان شکل گرفته است را جستجو کرد.

ب) جهان بینی اسلامی: جهان‌بینی توحیدی است. توحید در اسلام به خالص ترین شکل و پاک ترین طرز بیان شده است. از نظر اسلام خداوند مثل و مانند ندارد: لَیسَ کمِثْلِهِ شَیءٌ[2] (سوره شوری/۱۱).

خدا شبیه چیزی نیست و هیچ چیزی را نمی‌توان به خداوند تشبیه کرد. پس معمار تلاش می‌کند در خلق فضا اماکنی را ایجاد نماید که به دور از تصویرسازی و لذت های دنیوی باشد. خداوند بی‌نیاز مطلق است، همه به او نیازمندند و او از همه بی‌نیاز است: "*أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ*"[3] (سوره فاطر/۱۵).

خدا به همه چیز آگاه است و بر همه چیز تواناست: إِنَّهُ بِكلِّ شَیءٍ عَلِیمٌ ... أَنَّهُ عَلی كلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ[4] (سوره حج/۶). او در همه جا هست و هیچ جا از او خالی نیست. باور قلبی معمار بر این آیات نشان می‌دهد که فضایی که ساخته می‌شود، باید در پرتو معنویت و یاد خداوند باشد. فضایی با هنجار خاص و متعادل به گونه‌ای که از ایجاد گناه و زشتی جلوگیری نماید. چنین فضایی در حقیقت می‌تواند امنیت و آرامش را در روح انسان تقویت نماید.

خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد و انسان نیز چون از روح الهی در او دمیده شده است میل به زیبایی دارد پس در طراحی و ایجاد فضاها نیز به دنبال این زیبایی می‌گردد و دوست دارد در فضایی به تعامل با دیگران به معاشرت بپردازد که در آن نمودی از زیبایی وجود داشته باشد.

زیبایی در این جهان هستی، تجلی صفات الهی است که در طراحی آثار هنری به چشم می‌خورد."*فَأَیْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ*" [5] (سوره بقره/۱۱۵).

او از مکنونات قلب و از خاطرات ذهن و نیتها و قصدهای همه آگاه است: وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ وَ نَعْلَمُ ما تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ[6] (سوره ق/۱۶). از رگ گردن انسان به انسان نزدیکتر است: نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ(همان).

باور معمار با پرورش و باور به این آیات متجلی ساخت فضاهایی است که هر لحظه یاد خداوند را در قلب انسان زنده نگه‌دارد. او مجمع کمالات است و از هر نقصی منزّه و مبرّاست: "*وَ لِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنى*"[7] (سوره اعراف/۱۸۰). "*لا تُدْرِكُهُ الْأَبْصارُ وَ هُوَ یدْرِكُ الْأَبْصار*"[8] (سوره انعام/۱۰۳).

هریک بر اساس نگاه حکمی می‌تواند به نیازهای انسان پاسخ مطلوب بدهد و اگر طراحی فضاها در معماری مبتنی بر حکمت توحیدی و قرآنی شکل گیرد، توانایی پاسخ‌گویی به سه ساحت وجودی انسان را در برمی‌گیرد که این امر در نهایت می‌تواند بستری مناسب برای زیست انسان در دنیا و سعادت وی در زندگی آخرت را همراه داشته باشد.

انسان بر اساس جهان بینی اسلامی دارای نُه نیاز اساسی است؛ که هریک بر اساس نگاه حکمی می‌تواند به نیازهای انسان پاسخ مطلوب بدهد و اگر طراحی فضاها در معماری مبتنی بر حکمت توحیدی و قرآنی شکل گیرد، توانایی پاسخ‌گویی به سه ساحت وجودی انسان را در برمی‌گیرد که این امر در نهایت می‌تواند بستری مناسب برای زیست انسان در دنیا و سعادت وی در زندگی آخرت را همراه داشته باشد.

باور قلبی به جهان بینی توحیدی اسلامی در یک معمار می‌تواند فضایی را خلق نماید که کارکردی معنوی داشته باشد؛ که مازاد بر آن که بر نیازهای جسمی انسان پاسخ‌گویی مناسب دارد روح انسان را نیز صیقل و پرورش می‌دهد .

هریک بر اساس نگاه حکمی می‌تواند به نیازهای انسان پاسخ مطلوب بدهد و اگر طراحی فضاها در معماری مبتنی بر حکمت توحیدی و قرآنی شکل گیرد، توانایی پاسخ‌گویی به سه ساحت وجودی انسان را در برمی‌گیرد که این امر در نهایت می‌تواند بستری مناسب برای زیست انسان در دنیا و سعادت وی در زندگی آخرت را همراه داشته باشد.

هریک بر اساس نگاه حکمی می‌تواند به نیازهای انسان پاسخ مطلوب بدهد و اگر طراحی فضاها در معماری مبتنی بر

حکمت توحیدی و قرآنی شکل گیرد، توانایی پاسخ‌گویی به سه ساحت وجودی انسان را در برمی‌گیرد که این امر در نهایت می‌تواند بستری مناسب برای زیست انسان در دنیا و سعادت وی در زندگی آخرت را همراه داشته باشد.

بحث

• انسان

انسان دارای دو بعد قوه و فعل[۹] است. او بر اساس ساختار فطری اش بالقوه خوب و کامل خلق شده است، ولی در بالفعل سازی قوا و شکل دادن به هویت خود آزاد بوده"(مطهری،۱۳۷۸).

به لحاظ وجودی دارای ساحت‌های متعدد است که هریک از این ساحات دارای نیازهایی هستند که باید به آن پاسخ مناسب داده شود. بسیاری از پاسخ‌های مناسب در ظرف مکان و معماری به منظور رشد، تعالی و بقاء انسانی شکل می‌گیرد که نیازمند دانش و تخصص حکیمانه است.

دانش حکمی مفهومی است که می‌تواند در راستای تعالی انسان و زیست وی در همه سطوح اثرگذار باشد. معماری حکمی پلی است میان فضاسازی براساس شناخت انسان و نیازهایش و فلسفه‌ی وجودی وی (نقره کار و دیگران، ۱۳۹۴).

و باید بیان داشت که منظور از مراتب نفس، منفک از هم نیست، بلکه یک حقیقت است که اگر تحت تعلیم و تربیت واقع نشوند در همان حد نفس حیوانی و نباتی باقی می‌ماند و اگر هدایت شود سِمَت وجودی پیدا می‌کند. باید توجه داشت که یک فضای معماری نظیر فضاهای جمعی این قابلیت را دارند تا نیازهای نباتی و حیوانی انسان را به صورت نسبی تامین نمایند، اما تنها می‌توانند ایجاد بستری برای تامین نیازهای عقلانی و روحانی انسان باشند، زیرا سیر تکامل انسان امری جبری نبوده و مسیری آگاهانه و اختیاری است.

• نیازهای انسان

انسان امروز که در دنیای پر از هیاهو و جهان‌بینی‌های مختلف به سر می‌برد امری است مهم و خطیر. این انسان هم به دنبال رفع نیازهای روزمره و عادی خودش است و هم به دنبال راهی برای رسیدن به سعادت. این انسان خواست ها و نیازهایی دارد که تأمین همه آنها با همدیگر امکان پذیر نیست، اما برخی از این نیازها رابطه‌ی مستقیمی با محیطی که انسان‌ها با یکدیگر در تعامل هستند، دارند. لذا واجب است به نیازهایی که منجر به پیدایش معماری حکیمانه و معنوی شده پرداخته شود.

در وضعیت کنونی جامعه ما، انسان امروزی با دو دیدگاه توحیدی- اسلامی و مدرنیته(اومانسیم) تلاش برای ساخت زندگی خویش را دارد و آنچه در این مساله تاثیرگذار است تفاوت های این دو دیدگاه است. در طراحی فضاهای جمعی با نگاه توحیدی- اسلامی هدف برآن است که انسان به یاد خدا متذکر شود و اگر نیازهای انسان از راه درست تامین شود، انسان خود را باز خواهد یافت و به صراط مستقیم هدایت خواهد شد."او جز با یاد خدا با چیز دیگری آرام نمی‌گیرد. خواسته‌های انسان بی‌نهایت است و به هرچه برسد از آن سیر و دل‌زده می شود مگر آن‌که به ذات بی‌نهایت خدا بپیوندد"(مطهری،۱۳۷۵:۱۱).

" انسان به یاد و ذکر اوست که در نهایت دستیابی به اطمینان و آرامش قلبی را همراه دارد."[۱۰]

اما در جهان بینی مدرن هدف تأمین نیازهای دنیوی انسان است و آرامش در آن جایی ندارد. در نتیجه باعث تشویش خاطر انسان می‌شود. تلاش آن فقط تأمین نیازهای بُعد مادی انسان است. اما در جهان بینی توحیدی- اسلامی به تمامی ساحت حیات انسان پرداخته می‌شود.

نفس انسان در سه ساحت روحانی، جسمانی و نفسانی است و نیازهای او در قالب این سه بُعد شکل می‌گیرد. می‌توان نیازهای انسانی را به دو دسته نیازهای ثابت و متغیر دسته‌بندی کرد. به لحاظ وجودی دارای ساحت‌های متعدد است که هریک از این ساحات دارای نیازهایی هستند که باید به آن پاسخ مناسب داده شود. بسیاری از پاسخ‌های مناسب در ظرف مکان و معماری به منظور رشد، تعالی و بقاء انسانی شکل می‌گیرد که نیازمند دانش و تخصص حکیمانه است.

دانش حکمی مفهومی است که می‌تواند در راستای تعالی انسان و زیست وی در همه سطوح اثرگذار باشد و حتی گاه از یک نیاز بودن خارج می‌شود و اصلا انسان نیازی نمی‌بیند که درباره آن بیندیشد یا چاره‌جویی کند و پاسخی برای آن بیابد. از نظر امام صادق(ع) انسان نیازهای ثابتی دارد که

اختصاص به دنیا یا آخرت ندارد، انسان بر اساس جهان بینی اسلامی دارای نُه نیاز اساسی است که هریک بر اساس نگاه حکمی می‌تواند به نیازهای انسان پاسخ مطلوب بدهد و اگر طراحی فضاها در معماری مبتنی بر حکمت توحیدی و قرآنی شکل گیرد، توانایی پاسخ‌گویی به سه ساحت وجودی انسان را در برمی‌گیرد که این امر در نهایت می‌تواند بستری مناسب برای زیست انسان در دنیا و سعادت وی در زندگی آخرت را همراه داشته باشد(ابن شعبه، ۱۳۸۲:۳۲۰). همچنین در بیان سطح اجتماعی آرامش و امنیت، واژگانی چون امن (سوره فتح، آیه۲۷)، «سلم» (سوره بقره، آیه۲۰۸) به کار رفته است. پرداختن به همه ابعاد نیاز انسان در این پژوهش امکان پذیر نیست؛ بنابراین برخی از نیازهایی که درهمه انسان‌ها در بعد جسمانی، روحانی و نفسانی مشترک هستند و می‌توانند در راستای خلق فضاهای معماری هویتمند مؤثر واقع شوند را مورد بررسی قرار دادیم. (شکل شماره ۱)

الف) امنیت و آرامش: احساس امنیت در کودکان و بزرگسالان یک نیاز روانی محسوب می شود و یکی از نیازهای اساسی انسان برای زندگی موفقیت‌آمیز، برخورداری از آرامش و امنیت خاطر در زمینه‌های تربیتی، روانی و اجتماعی است. حفظ و ایجاد امنیت در طراحی فضاهای جمعی باعث ایجاد محیطی با هنجار و شکل‌گیری فعالیت های فردی و جمعی می‌شود که در نهایت منجر به آرامش روان انسان و ایجاد جامعه پویا می‌گردد(نجفی،۱۳۹۲ :۲۷).

از منظر اسلام آرامش با یاد خدا به دست می‌آید پس اگر طراحی فضاهای جمعی ما به نحوه‌ی باشد که انسان در عین ارتباط سازی با دیگران به یاد خدا نیز متذکر شود، می‌توان گفت که تاحدودی توانسته ایم فضا را به سمت ایجاد حس آرامش سوق دهیم.

ب) علم و دانش و آگاهی: یکی از نیازهای اصیل انسان نیاز به علم، دانش و معرفت واقعیت های جهان هستی است، این نیاز از همان کودکی بروز می‌کند و تا پایان عمر از انسان سلب نمی شود. انسان به واسطه علم و دانش می‌تواند جهان هستی را درک کند و برآن مسلط شود و انسان به واسطه دانش و آگاهی می‌تواند راه رسیدن به سعادت را در زندگی دنیوی و اخروی طی‌کند، پس اگر انسان امروزی از دانش خود در راستای خلق فضا بهره گیرد می‌تواند فضایی را خلق کند که انسان با حضور در آن علاوه بر دریافت دانش و تعامل به یاد خداوند نیز آگاه باشد.

پ) پرستش و عبادت: انسان با حیات در این زندگی خاکی از همان ابتدا در حال پرستش و عبادت بوده و همواره خودش را از جایی می‌دانسته است و همان گونه که در قبل‌تر اشاره کردیم این نوع پرستش و تعبد در انسان ایرانی در ادوار مختلف متفاوت بوده است. پس نیاز به پرستش به عنوان جزئی از نیازهای ثابت انسانی مطرح است.

انسان به واسطه پرستش خداوند روحش را صیقل به لحاظ وجودی دارای ساحت‌های متعدد است که هریک از این ساحات دارای نیازهایی هستند که باید به آن پاسخ مناسب داده شود. بسیاری از پاسخ‌های مناسب در ظرف مکان و معماری به منظور رشد، تعالی و بقاء انسانی شکل می‌گیرد که نیازمند دانش و تخصص حکیمانه است. دانش حکمی مفهومی است که می‌تواند در راستای تعالی انسان و زیست وی در همه سطوح اثرگذار باشد (مطهری،۱۳۸۰ :۱۹۵ -۱۹۶). هدف از پرستش، تکامل خود ماست و عبادت، وسیله تکامل و سعادت ما محسوب می شود. بنابراین، خداوند در آیات متعددی از باب لطف و رحمتش، دستور عبادت به انسان را داده است. «این است پروردگار شما! هیچ معبودی جز او نیست. آفریدگار همه چیز است، او را بپرستید و او نگهبان و مدبر همه موجودات است[11] (سوره انعام/ ۱۰۲). پس اگر هدف انسان آرامش است این آرامش با یاد و ذکر خداوند یکتاست که در وجود وی قوت می‌گیرد، بنابراین، ایجاد فضاهایی که انسان در آن حضور معبود خویش را بهتر درک و حس کند می‌تواند راهکاری برای رسیدن به مسیر رشد و تعالی باشد.

ت) خیر و فضیلت: نیاز به خیر و فضیلت یکی دیگر از نیازهای فطری و دائمی بشر است که در همه افراد این نوع وجود دارد. انسان نیاز دارد به انجام افعال خیر و با فضیلت، نه از آن جهت که منفعتی دارد و نیازی از نیازهای مادی او را برطرف و یا زیانی را از او دفع می‌کند(نصر،۱۳۷۵: ۶۴).

خیر اخلاقی در هدایت انسان به رستگاری بیشترین تاثیر را

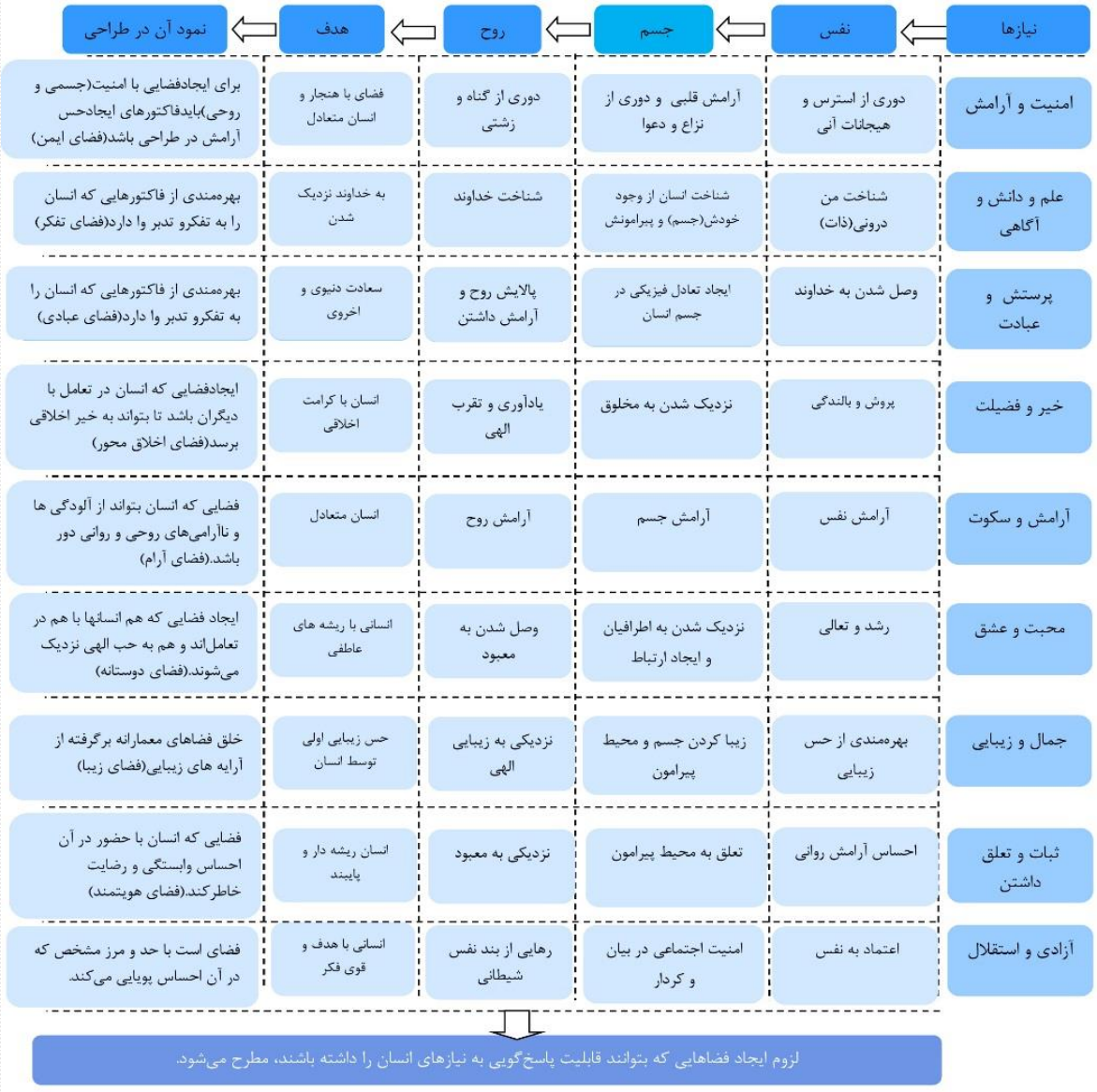

شکل شماره ۱) بررسی نیازهای انسان و تطابق آن با طراحی در فضای معماری بر اساس حکمت اسلامی.

دارد و انسان برای ایجاد خیر اخلاقی نیازمند فضایی برای ایجاد ارتباط اجتماعی متقابل است که این فضا قاعدتا باید آکنده از اموری باشد که بتواند در وجود انسان حس خیراخلاقی را جاری سازد و منجر به پرورش روح و نفس انسان شود که در نهایت پرورش صحیح آن می‌تواند انسان را به خالق خویش نزدیک‌تر کند.

ث) آرامش و سکوت: یکی از نیازهای ثابت در هر انسانی آرامش و سکوت است. انسان امروزی که در دل‌مشغولی‌ها و شلوغی های زندگی ماشینی به سر می‌برد، نیاز به فضایی دارد که او را به آرامش برساند، فضای آرام انسان را به تفکر وا می دارد در فضای ساکن روح آدمی به ثبات می‌رسد و البته باید بیان کرد که آرامش حقیقی در ذات انسان فقط با یاد و ذکر خداوند[11] است که ایجاد می‌شود. در طراحی فضاهای شهری ایجاد اماکنی که انسان بتواند در آن خلوت کند امری ضروری و مهم به نظر می‌رسد. انسان در آرامش می‌تواند به عبادت با خداوندگار خویش مشغول شود و این درک در انسان منجر به ایجاد آرامش روانی در او شده که این امر خود سبب خواهد شد به محیطی آرام برای زندگی دست یابیم.

ج) عشق و محبت: درک و نیاز به محبت و عشق، از جمله نیازهای روحی و احساسی افراد است و نیاز به محبت و عشق،

از جمله نیازهای روانی انسان است. [۱۲]

اما انسانی که هنوز نمی‌تواند درکی از جمال و کمال مطلق داشته باشد، لاجرم به سوی جمال‌های عینی و قابل رؤیت کشیده می‌شود و به سوی کمالات و عواطف انسانی که نشانه‌هایی از رأفت الهی در وجود انسان هستند، سوق پیدا می‌کند، در مرتبه پایین‌تر انسان همیشه نیازمند به ابراز احساسات نسبت به خود، اطرافیان و محیط خویش است که به واسطه‌ی آن حس تعلق در وجود آدمی شکل می‌گیرد. در زندگی امروزی نیز ایجاد محیطی که انسان بتواند در آن تعاملی دوستانه داشته باشد و بتواند به اطرافیان خود ابراز محبت کند از نیازهای انسان محسوب می‌شود.

چ) جمال و زیبایی: یکی دیگر از نیازهای فطری انسان نیاز به زیبایی و جمال است. خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد و انسان نیز چون از روح الهی در او دمیده شده است میل به زیبایی دارد پس در طراحی و ایجاد فضاها نیز به دنبال این زیبایی می‌گردد و دوست دارد در فضایی به تعامل با دیگران به معاشرت بپردازد که در آن نمودی از زیبایی وجود داشته باشد. زیبایی در این جهان هستی، تجلی صفات الهی است که در طراحی آثار هنری به چشم می‌خورد.

ح) ثبات و تعلق داشتن: همه انسان‌ها نیاز دارند که خودشان را متعلق به جایی بدانند. همه ما در ذات به اصولی وابستگی داریم و در زندگی خود به دنبال آن می‌گردیم. احساس تعلق ما را به محیط و افراد پیرامون پیوند می‌دهد و باعث می شود بسیاری از نیازهایی که در ارتباط با دیگران و محیط داریم بر طرف شود. ثبات وجودی انسان از تعلق داشتن روح آدمی به ذات الهی است، این امر از ساده ترین نگاه در مقیاس خرد تعلق به خانواده و در مقیاس کلان تعلق داشتن به یک کشور مطرح می‌شود. وقتی انسانی بتواند در وجود خویش احساس تعلق به فضا یا کسی را داشته باشد در نهایت می‌تواند به ثبات و پایداری به لحاظ روحی و روانی برسد. پس اگر در طراحی فضاها به دنبال ایجاد محیطی باشیم که انسان با حضور در آن احساس وابستگی و تعلق خاطر نماید می‌توانیم فردی متعادل به لحاظ اجتماعی داشته باشیم.

خ) استقلال و آزادی: از دیگر نیازهای که در وجود هر آدمی احساس می‌شود داشتن حس آزادی در محیط زندگی‌اش است. سید محمد جواد غروی در کتاب مبانی حقوق در اسلام چنین می‌نویسد که آزادی مطلوب در اسلام این است که بشر بتواند در سایه‌ی آن به حقوق طبیعی خود دست یابد، در حقیقیت انسان به واسطه آزادی و استقلال در اندیشه می‌تواند روح خودش را پالایش دهد و به سوی موفقیت گام بردارد. داشتن فضایی که انسان احساس استقلال کند و بتوانند در آزادی فکری و روحی با دیگران به زندگی بپردازد، می‌تواند گامی موفق در ایجاد زندگی خلاق و آرام داشته باشد.

نتیجه گیری

انسان باتوجه به جایگاه و مقامی که در نظام آفرینش دارد به عنوان موجودی دارای قوه اختیار و تعقل همواره به دنبال زندگی هدفمند بوده است که در این راستا برای پرورش و هرچه بهترشدن وضعیت زندگی اش، بهره‌گیری از جهان بینی اسلامی راهی برای رسیدن به سعادت وی مطرح می شود. انسان ایرانی با بهره مندی از جهان بینی اسلامی در گذر ایام تلاش داشته است که بتواند به نیازهای خود در قالب دنیوی و اخروی پاسخ بدهد و بتواند به بهترین شیوه ممکن راه موفقیت را برگزیند و همچنین انسان به جهت آنکه دارای ساحت های مختلف حیات است، در وجودش نیازهای مختلفی شکل گرفته است؛ که برای رفع این نیازها نیازمند ابزار می‌باشد. یکی از ابزارهایی که در اختیار انسان قرار گرفته است هنر معماری است که به واسطه آن می‌تواند به خلق فضاهایی بپردازد که افراد با یکدیگر به تعاملات اجتماعی بپردازند و در این راستا علاوه بر آنکه به نیاز باهم بودنشان در قالب فضاهای جمعی پاسخ داده می‌شود، می‌توانند بسیاری از نیازهای خود نظیر جمال و زیبایی، پرستش و عبادت را تجربه کنند.

در نهایت باید بیان‌کرد اگر به نیازهای انسان به واسطه حکمت جاری در جهان بینی توحیدی در قالب فضاهای توحیدی-اسلامی پاسخ داده شود، هم نیازهای مادی و دنیوی انسان تأمین می‌گردد و هم راه رسیدن به سعادت اخروی و کمال انسانی فراهم می‌شود. (شکل شماره ۲)

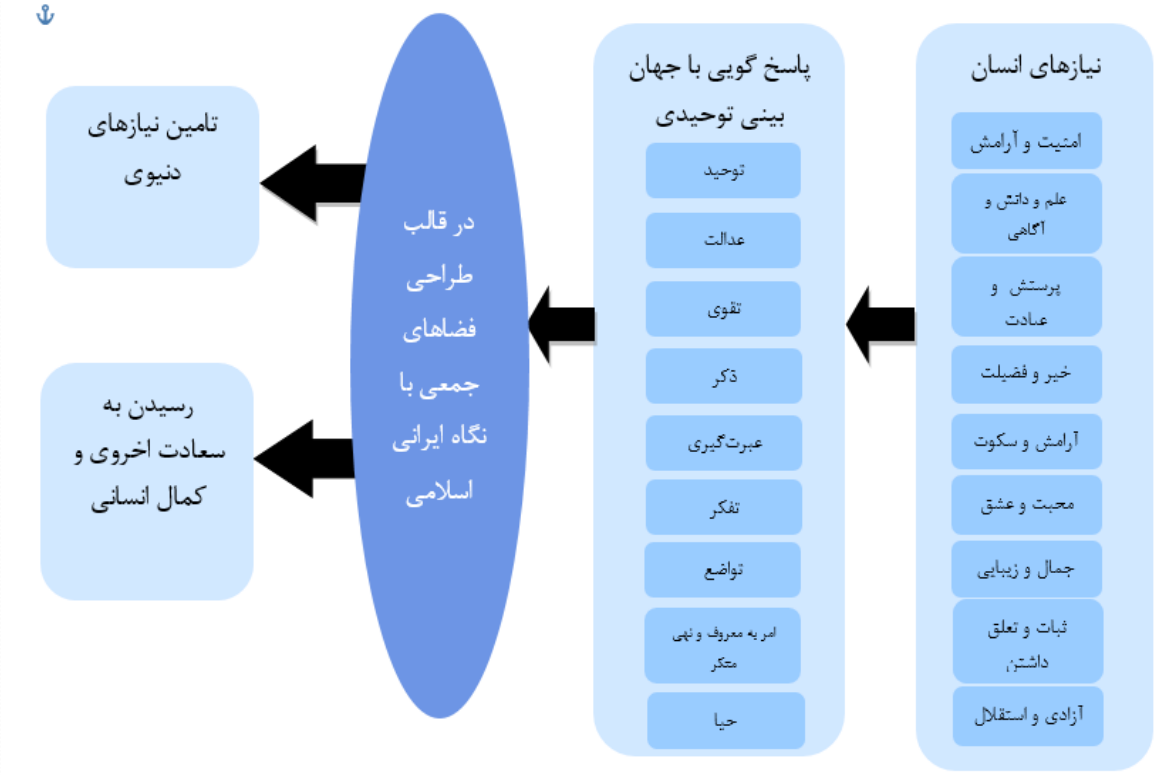

شکل شماره ۲) راهکار پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی با حکمت جاری در معماری توحیدی- اسلامی.

پی نوشت:

۱. الَّذینَ إذا أصابَتْهُمْ مُصیبَةٌ قالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ (سوره بقره آیه ۱۵۶) همانا ما از آن خداییم و همانا به سوی او باز خواهیم گشت

۲. فاطِرُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً وَ مِنَ الْأَنْعامِ أَزْواجاً یَذْرَؤُکُمْ فیهِ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ(سوره شوری آیه ۱۱)

۳. یا أَیُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَی اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ(سوره فاطر آیه۱۵)

۴. ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ یُحْیِی الْمَوْتَی وَأَنَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ(سوره حج آیه ۶)

۵. وَلِلّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَیْنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجْهُ اللّهِ إِنَّ اللّهَ وَاسِعٌ عَلِیمٌ(سوره بقره آیه ۱۱۵)

۶. وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ(سوره ق آیه ۱۶)

۷. وَلِلّهِ الأَسْمَاء الْحُسْنَی فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُواْ الَّذِینَ یُلْحِدُونَ فِی أَسْمَآئِهِ سَیُجْزَوْنَ مَا کَانُواْ یَعْمَلُونَ(سوره اعراف آیه ۱۸۰)

۸. لاَّ تُدْرِکُهُ الأَبْصَارُ وَهُوَ یُدْرِکُ الأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِیفُ الْخَبِیرُ(سوره انعام آیه ۱۰۳)

۹. وجود بالقوه: وجهی ثابت و جبری است با جهت و غایت مشخص وجود بالفعل: وجهی سیال و وابسته به مجموع شرایط خارجی دارد و جبری است.

۱۰. الَّذِینَ آمَنُواْ وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِکْرِ اللّهِ أَلاَ بِذِکْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ" آنها که به خدا ایمان آورده و دلهاشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دلهاست.

۱۱. قرآن مجید: عا مل آرامش را ذکر و یاد خدا می‌دا ند: الا بذکر الله تطمئن القلوب، آگاه باشید تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.

۱۲. آیه ۶۲ سوره انفعا« هُوَ الَّذِی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِینَ وَ أَلَّفَ بَینَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِی الْأَرْضِ جَمِیعًا مَّا أَلَّفْتَ بَینَ قُلُوبِهِمْ وَ لَاکِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَیْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِیزٌ حَکِیمٌ» او همان کسی ا ست که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد و دل‌های آن‌ها را با هم الفت داد! اگر تمام آن‌چه را روی زمین اســـت صـــرف می کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانســتی؛ ولی خداوند در میان آن‌ها الفت ایجاد کرد. او توانا و حکیم است.

فهرست منابع:

قرآن کریم. ترجمهٔ محمّدمهدی فولادوند.

ابن عربی،محی الدین،(۲۰۱۱)، **فتوحات مکیه**، نسخه چهار جلدی، بیروت، دارالمعرفه

ابن شعبه، حسن بن علی، (۱۳۸۲)، **تحفه العقول عن آل الرسول**، مترجم: صادق حسن زاده، نشرآل علی، قم.

الفردوس، ج۲، ص۱۹۳، ح۲۹۶۴.

بلخاری قهی، حسن،(۱۴۰۳)، **قدر(نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی)**، نشر سوره.

بلخاری قهی، حسن،(۱۳۸۶)، **حکمت، هنر و زیبایی**، نشر فرهنگ اسلامی .

بوکهارت،(۱۳۷۲)، ترجمه سید حسین نصر، **روح هنر اسلامی**. در مجموعه مقالات هنر معنوی(گردآورنده: علی تاجدینی). تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.

رهنورد، زهرا،(۱۳۹۶)، **حکمت هنر اسلامی**، انتشارات سمت.

ساربان‌نژاد, محسن و بلخاری, حسن . (۱۴۰۱). **«میزان»؛ نظریهٔ هنر و زیبایی در عرفان ابن‌عربی**. رهپویه حکمت هنر, ۱(۱), ۳۹-۴۶. doi: 10.22034/rph.2022.697031

شکر، عبدالعلی. (۱۳۹۱). **حکمت در نگاه مفسران قرآن و فیلسوفان**. آینه معرفت، ۱۰(۳۱) https://sid.ir/paper/383101/fa

طباطبایی، سید محمد حسین،(۱۳۸۹) **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۲، ص ۳۹۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق. درباره معنای حکمت، ر. ک: پاسخ ۸۶.

عرب زاده, جانا , بلخاری قهی, حسن , مفیدی شمیرانی, سید مجید , اعتصام, ایرج و شاهچراغی, آزاده . (۱۴۰۲). **رابطه معنایی میان انسان وطبیعت مبتنی بر بنیاد حکمت متعالیه (نقش گرایش‌های زیست دوستی انسان در تعالی و کمال او)**. فصلنامه بازیابی دانش و نظام های معنایی, ۱۰(۳۶), ۱۱۵-۱۵۵. doi: 10.22054/jks.2023.73727.1578

کانت، ایمانوئل، (۱۳۸۰)، **مابعدالطبیعه اخلاق: مبانی مابعدالطبیعی تعلیم فضیلت**، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی،انتشارات نقش و نگار، تهران.

کنز العمال، ج۳، ص۱۴۱، ح۵۸۷۲.

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، **مقدّمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی**. جلد چهارم. انسان در قرآن، نشر صدرا.

مطهری، مرتضی،(۱۳۸۷)، **مقدّمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی**. جلد پنجم. انسان در قرآن ، نشر صدرا.

مطهری، مرتضی،(۱۳۸۰)، **انسان و نیازهای زمان**، جلد اول، نشر صدرا

نصر،سید حسین،(۱۳۷۵)، **هنرومعنویت اسلامی**،ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر.

نقی زاده، محمد، (۱۳۸۹) آ، **روایتی از حکمت**، معنا و مصادیق هنر، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و علوم انسانی.

نقره کار، عبدالحمید، تقدیر، سمانه، معین مهر، صدیقه،(۱۳۹۴)، **اصولی برای معماری فضاهای آموزشی مبتنی بر تعریف انسان و معماری از منظر اسلام**، نشریه علمی پژوهشی انجمن معماری و شهرسازی ایران.

نجفی، موسی،(۱۳۹۲)، **هویت شناسی: پیرامون نظریه هویت ملی ایران و بازتاب آن در فرهنگ، تاریخ و سیاست**.چاپ سوم.تهران: آرما.